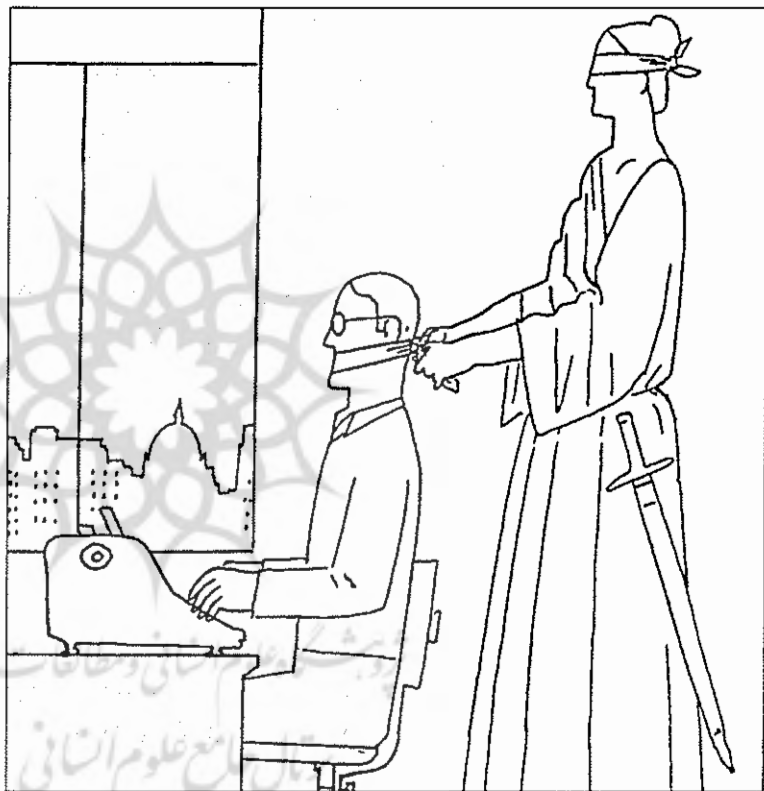


## تقدس روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

خودگذشتگی» به عنوان محورهای کلیدی مورد تأکید قرار گرفته است اما در هیچ‌کدام از آنها جنبه رازگونی یا تقدس حرفه به صورت صریح مورد بررسی قرار نگرفته است. تنها مشاغلی که در خدمت نیازهای حیاتی انسان هستند به عنوان حرفه تخصصی توصیف شده‌اند. اما در صورت پذیرش این تعریف چنین استنباط می‌شود که اعتصابات، یا تهدید به اعتصابات، باید با موقعیت تخصصی در یک جامعهٔ بسامان در تعارض باشند. این امر صحت دارد، زیرا ما باید همواره بتوانیم به کسانی که در خدمت نیازهای حیاتی ما هستند اعتماد کنیم. در واقع اگر چنین اعتمادی فرو ریزد، تصویر ایثارگرانهٔ گروه متخصص مورد نظر، ناگزیر مخدوش خواهد شد. در واقع، پذیرش اعتصاب از جانب یک گروه تخصصی به نیت توسل به وسیله‌ای مشروع برای افزایش و گسترش اهدافش نشان‌دهنده آن است که این گروه، ادعایی را که نسبت به تقدس موقعیت حرفه تخصصی خود داشته نادیده گرفته است.

من معتقدم برای کلیه حرفه‌های واقعی یک جنبه تقدس وجود دارد. اما چنین عقیده‌ای در تحقیقاتی که من بررسی کرده‌ام وجود ندارد و برخی نویسندگان تنها آن را به صورت غیرمستقیم پذیرفته‌اند. هدف اصلی من در این مقاله آن است که موقعیت روزنامه‌نگاری را



عبارتند از رازگونه بودن دانش منحصر و در عین حال حیاتی آن و نیز امر شریف ایثار و از خودگذشتگی. اگر ما بعد تقدس را به تعاریف رایج تخصص و حرفه اضافه کنیم خواهیم توانست درک خود از تخصص را ارتقاء داده و کارآیی آن را در مباحث جامعه‌شناختی افزایش دهیم.

در کتب فراوان جامعه‌شناسی مشاغل حرفه‌ای، طی دو دهه اخیر تعاریف بسیاری درباره حرفه و تخصص بیان شده است و در اکثر آنها «دانش خاص» و «از

اندیشه تقدس به عنوان عنصری کلیدی در حفظ انسجام اجتماعی یکی از بااثبات‌ترین بافت‌های تفکر جامعه‌شناختی از زمان طرح آن توسط امیل دورکهایم قلمداد شده است. در این مقاله بحث می‌شود که برخی مشاغل، از جمله روزنامه‌نگاری با تقدس عجین است، در حالی که بسیاری از مشاغل دیگر فاقد این ویژگی هستند. در این مقاله شرح داده خواهد شد که تقدس برخی مشاغل از چند منبع نشأت می‌گیرد که مهمترین آنها

تشریح کنم.

تقدس حرفه‌ها

در میان کارورزان مذهبی در جوامع تاریخی و در میان مردم به اصطلاح بدوی جنبه رازگونگی دانش ظاهراً حیاتی این حرفه آشکارا مشاهده می‌شود. موضوع ایثار و از خودگذشتگی منبع دیگری از تقدس است که در میان کارورزان مذهبی وجود دارد؛ اشتغال به امور روحانی و مذهبی عمدتاً به عنوان خدمات ایثارگرانه نسبت به دیگران تعریف می‌شود. یکی از مظاهر چنین ایثاری در میان کشیش‌های کاتولیک، قانون تجرد (عدم ازدواج) است

جدایی شاید دشوار باشد، اما شکست کلیسا در مواجهه با طاعون بزرگ در قرن چهاردهم میلادی آغاز سقوط کلیسا به عنوان منبع دانش پزشکی و ظهور علم پزشکی بود. دانشجویان مذهبی آزادانه می‌پذیرند که فرهنگ مذهبی یک فرهنگ جزئی است. بنابراین یک کشیش، دیگر نقشی محوری در جامعه ندارد و در نتیجه اساس اقتدار آنها تضعیف شده است. یکی از نمونه‌های بارز این امر آن است که رهبران مذهبی در دنیای معاصر از عرصه‌های سیاسی تقریباً کاملاً طرد شده‌اند. نقش مشورت نیز از این حرفه گرفته شده است، زیرا علم طب به شکل

تقدس حرفه پزشکی پزشکان به خاطر دانش علمی خود مورد احترام هستند زیرا با نیازهای حیاتی انسان سروکار دارند. به گفته «لاپ» (Lapp): متخصصان یک علم چهره یک روحانیت جدید را کسب می‌کنند و معجزات علم می‌تواند مبنایی برای ستایش یک فرهنگ یا حتی یک مذهب باشد. محبوبیت و مشروعیت این علم به دانش و شناخت صرف این حرفه بستگی دارد. حرفه پزشکی چون عملاً با تمام و تک تک اعضای جامعه سروکار دارد، حرفه‌ای بارز و برجسته است. در قرن بیستم در جوامع صنعتی، مردم اعتقاد و

■ تقدس برخی مشاغل از چند منبع نشأت می‌گیرد که مهمترین آنها عبارتند از رازگونه بودن دانش منحصر و در عین حال حیاتی آن و نیز امر شریف ایثار و از خودگذشتگی.

■ اگر این فرض اولیه دمکراسی را - که هر عضو جامعه می‌باید به مسؤولیت خویش در قبال تصمیم‌های سیاسی واقف باشد - در نظر بگیریم به این نتیجه خواهیم رسید که خبر، به مشکلات انسانها مربوط می‌شود و ارائه آن یک خدمت کارشناسی است. بدون اطلاع از خبرها نمی‌توان از حقوق سیاسی دفاع کرد و وظایف سیاسی خویش را انجام داد.

ایمان خود را به این حرفه با تخصیص سرمایه‌های فراوان در احداث بیمارستان و تهیه تجهیزات پزشکی به اثبات رسانده‌اند، درست همانگونه که در گذشته مردم به احداث کلیساها و نهادهای مذهبی کمک می‌کردند. پزشکان افرادی هستند که منافع بیماران خود را در اولویت قرار می‌دهند و در نتیجه از احترام و تقدس خاصی برخوردار می‌شوند به گونه‌ای که بسیاری از بیماران، ایمانی کور نسبت به پزشکان خود پیدا می‌کنند و اگر گاه بیمارانی مبادرت به مطالعه متون طبی کنند ممکن است پزشکان این عمل را تقیح کنند و حتی وانمود کنند که به

روانکاو و حرفه‌های جدیدی همچون روانشناسی و کارهای اجتماعی، این امر را برعهده دارد. بنابراین، آیا اقتدار حرفه‌ای، غیردینی شده است؟ آیا این اقتدار بیشتر از گذشته «این جهانی» شده است؟ من چنین نتیجه‌ای نمی‌گیرم بلکه معتقدم که جنبه تقدس خدمت و تخصص در جوامع صنعتی مدرن موجود است اما این جنبه تقدس، عمدتاً از روحانیت به گروه‌های حرفه‌ای و شغلی دیگر منتقل شده است. علم طب و ارتباطات جمعی از جمله این گروه‌های حرفه‌ای است که در این مقاله بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

که برکشیشان تحمیل می‌شود. البته در جوامع تاریخی و بدوی حوزه وظایف کشیش تا حیات اجتماعی کشیده می‌شد. مثلاً در عصر تورات، کشیش‌ها مشاغل از قبیل پزشکی، مراقبت بهداشتی و مشاغل سیاسی را در اختیار داشتند. در اسلام معاصر، نفوذ علمای مذهبی دربرگیرنده عناصر کلیدی متعدد در حرفه‌های تخصصی می‌باشد و ظاهراً این نفوذ از پیدایش حرفه‌های تخصصی تر ممانعت به عمل آورده است.

در جوامع مدرن امروزی نقش روحانی و پزشک کاملاً از یکدیگر متمایز شده است. البته ذکر تاریخ دقیق این

قلمرو ممنوعه پا گذاشته‌اند. زبان خاص صنف پزشکان عملاً مردم عادی را از ورود به مباحث پزشکی، حتی هنگامی که در بحث پزشکان حاضر هستند، باز می‌دارد و در نتیجه جلوه رازگونی و غرابت این حرفه را بیشتر می‌سازد و به این حرفه تقدسی خاص می‌بخشد.

#### تقدس روزنامه‌نگاری

آنچه به عنوان جنبه‌های مذهبی در ارتباطات جمعی مطرح می‌شود، متعلق به این حوزه نیست. «بک ول» و «گارتنام» (Garnham - Bakewell) در سال ۱۹۷۰ با

Goldstein: 1985, Olen: 1988, Schudson: 1988, Smit: 1989.)

با این حال ارتباط بین تقدس و حرفه‌ای‌گرایی در ارتباطات جمعی مورد توجه قرار نگرفته است. برای ساده‌تر شدن موضوع، اختصاصاً روی قابلیت رسانه‌های جمعی به عنوان منابع خبری، سیاسی و نظایر اینها تکیه می‌کنم. در اینجا همچنین باید اعتراف کنم که استدلال مقدماتی من روی کمیت روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها با توجه به ادعاهای مربوط به سرویس دهی آنها به مردم، متمرکز است.

۲. رویدادهایی که در دوردست اتفاق می‌افتاد و احتمال داشت روی آنها تأثیر بگذارد کاملاً بیرون از کنترل آنها بود و برایشان فرقی نمی‌کرد که اخبار را پیش از وقوع دریافت کنند یا بعد از آن.

به دنبال عصر اکتشافات و انقلاب صنعتی همه چیز تغییر کرد. در عصر مدرن اساساً هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به خودکفایی دست یابد. هر نقطه‌ای روی زمین ممکن است به خاطر یک تصمیم سیاسی یا نظامی که از طرف یک دولت و یا مرکزیتی در آن طرف کره زمین اتخاذ می‌شود، تحت تأثیر قرار گیرد.

به این ترتیب دیگر بعد مسافت در تأثیر رویدادها نقشی ندارد. اگر این فرض اولیه دموکراسی را - که هر عضو جامعه می‌باید به مسؤولیت خویش در قبال تصمیم‌های سیاسی واقف باشد - در نظر بگیریم به این نتیجه خواهیم رسید که خیر، به مشکلات انسانها مربوط می‌شود و ارائه آن یک خدمت کارشناسی است. (Abbott 1988:35) بدون اطلاع از خبرها نمی‌توان از حقوق سیاسی دفاع کرد و وظایف سیاسی خویش را انجام داد. (Thuren, 1989). در این راستاست که روزنامه‌نگار امروزی به کشیش دوران گذشته که کلید رهایی انسان را در دست داشت، شباهت پیدا می‌کند. به این ترتیب،

به اعتقاد من، گردآورندگان و پخش‌کنندگان خبر «در خدمت نیازهای حیاتی بشر» هستند. ولی این سؤال مطرح است که آیا ما از این «خدمات کارشناسی» رسانه‌های خبری بهره‌مند هستیم؟ پاسخ از نظر مهارت‌های ویژه (نظیر فنی یا عملی) مثبت است ولی به نظر می‌رسد که جای یک «نهاد معرفتی تعریف شدنی»، که روزنامه‌نگاران از آن برخوردار باشند، خالی است.

روزنامه‌نگاری از نظر عده‌ای نوعی حرفه است که نسبت به شغل‌های دیگر کمتر به حرفه‌ای شدن تمایل دارد. چون

■ وقتی که خبرنگاران، حرمت خبر را به ویژه به هنگام بازآفرینی خبر نگه نمی‌دارند، مردم به این امر اعتراض می‌کنند. این امر با واکنش‌های مردم نسبت به کشیشان گناهکار و پزشکان غیرحاذق قابل مقایسه است.

■ روزنامه‌نگاران همچون کشیش‌ها و پزشکان باید تا حد زیادی خود را با ساعت‌های کاری نامنظم وفق دهند و کار آنها هیچ‌وقت پایانی ندارد.

■ عده‌ای استدلال می‌کنند که مطبوعات از نظر افکار عمومی قابل احترام نیستند. تعدادی از تحقیقات انجام شده این استدلال را تأیید و تعدادی دیگر رد می‌کنند.

روشن است که دادن اطلاعات درباره یک رویداد که بیرون از دایره تجربه شخصی اتفاق می‌افتد، برای افراد عادی جوامع صنعتی با ارزش است. در مقابل، افراد و جوامع پیش از دوران صنعتی و غیردموکراتیک بدون اطلاع از این رویدادها زندگی می‌کردند. به عبارت دیگر، آنها به دو دلیل نمی‌توانستند همه چیز را از طریق حواس خود تجربه کنند و یا اطلاعات موردنیاز را از کانال شایعات بدست آورند: ۱. جوامع ساده تا حدی خودکفا هستند و برای بقای خویش به جوامع دیگر متکی نیستند؛

معرفی کتاب خود در تلویزیون بریتانیا نوشتند: «رسانه‌ها در جوامع غربی از دوران روشنگری در قرن هیجدهم به بعد به تدریج به عنوان نهادهای مسلط، جایگزین مذهب شده‌اند.

«کاتز» و «دایان» (Katz - Dayan) (۱۹۷۷-۷) از تکریم و تشریفات مرتبط با رویدادهای رسانه‌ای و نقش تقریباً کشیشانه روزنامه‌نگاران در موقعیت‌های ویژه صحبت می‌کنند.

بحث طولانی در حوزه حرفه‌ای‌گرایی در رسانه‌های جمعی همچنان ادامه دارد. (Beam: 1988, Dennis: 1989,

دانشی که روزنامه‌نگاران کسب می‌کنند را به راحتی نمی‌توان بیان کرد و در شکل تئوریک نیز قابل انتقال نیست. (Koeka, 1990: 69)

اگر چه تعدادی از روزنامه‌نگاران فارغ‌التحصیل دانشکده‌های روزنامه‌نگاری یا مؤسساتی نظیر آن هستند. اما نتیجه گزارشی که در سال ۱۹۸۴ تهیه شده حاکی است که «وضعیت عمومی روزنامه‌نگاری و آموزش ارتباطات جمعی چندان رضایتبخش نیست» (به نقل از Goldstein 1985: 162)

گردانندگان ارتباطات جمعی هیچگونه کنترل جمعی را بر ورود افراد اعمال نمی‌کنند آنها حتی به دنبال کسب امکان

نیست... مهمتر اینکه آزادی مطبوعات حقی نیست که به نهاد روزنامه‌نگاری تعلق داشته باشد. این استدلال، رابطه بین مسؤولیت‌های روزنامه‌نگاران با مسأله آزادی مطبوعات را نادیده می‌گیرد. «کپلینگر» و «کوچر» (Kepplinger and Koher 1990:307) با این عقیده مخالفند که «روزنامه‌نگاران را نمی‌توان جزو قشر حرفه‌ای محسوب کرد. برعکس نظر اعضای این حرفه‌ها، روزنامه‌نگاران می‌توانند در قبال خود و طرف‌های سوم به صورت گزینشی رفتار کنند» و این موضوعی قابل تأمل است.

اول به این خاطر که «اعضای حرفه‌ها» مجازند برخی گزینش‌ها را با توجه به

انتخاب «عوامل حرفه‌ای‌گرایی»، گزینشی برخوردار می‌کند. اسمیت (Smith, 1992:153) عقیده دارد که معیار کلیدی حرفه‌ای شدن با توجه به روزنامه‌نگاری در غرب، دارد از دست می‌رود. ویندال (Windahl) و سیگنیتزر (Signitzer, 1992: 128) آشکارا ادعا می‌کنند که: «تحقیقات نشان می‌دهند، روزنامه‌نگاران ممکن است از کسب موقعیت نیمه حرفه‌ای برخوردار شوند. چون مبنای آگاهی روزنامه‌نگاران، درحدی نیست که آنها را برای مثال در ردیف مهندسان راه‌وساختمان قرار دهد.»

از سوی دیگر، دنیس مک‌کوئیل (1992:186) می‌گوید: «یک عامل دخیل در

- ما برای پرستش عمومی رسانه‌های جمعی معابدی نخواهیم ساخت، بلکه در عوض یک گوشه اتاق - یا حتی کل اتاق - را به یک دستگاه تلویزیون اختصاص می‌دهیم و هر روز در مقابل آن جمع می‌شویم تا اینکه تصویر جهانی خود را روزآمد کنیم.
- مقدار زمانی را که صرف شنیدن اخبار تلویزیون می‌شود می‌توان «زمان مقدس» فرض کرد و با بقیه زمان‌هایی که در زندگی ما بیهوده صرف می‌شود می‌توان با احترام کمتری برخورد کرد.

این کنترل نیز نیستند چرا که با دکترین آزادی مطبوعات در تضاد است. در عین حال این کار هم دشوار است که روزنامه‌نگار را مجبور کرد تا از «دستورالعمل خدمت ایثارگرانه» تبعیت کند. مع‌هذا این نیز واقعیت دارد که در میان روزنامه‌نگاران، آگاهی لازم برای احساس مسؤولیت بی‌مانند در قبال مردم وجود دارد. قدرت این آگاهی عامل کلیدی تصمیم‌گیری درباره مسأله حرفه‌ای‌گرایی و تقدس است. شأن حرفه‌ای روزنامه‌نگاری بسارها انکسار شده است. از این‌رو گلداشتان می‌گوید: «روزنامه‌نگاری یک حرفه نیست» و طبق گفته اولن (Olen:1988) هم روزنامه‌نگاری یک حرفه

رفتار حرفه‌ای خود انجام دهند و دوم اینکه می‌توان چنین استدلال کرد که از روزنامه‌نگارانی که کارشان را جدی فرض می‌کنند انتظار می‌رود که با مسایل مشخص از مجراهای مشخص برخورد کنند و مسایلی را با توجه به خطر آنها نادیده بگیرند.

مریل (Merrill, 1988) ویژگی‌های یک «حرفه» را عامل محدودکننده تلقی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که «عوامل حرفه‌ای‌گرایی» راه را برای منضبط و همسو کردن مطبوعات و نهایتاً به کنترل درآوردن آن هموار می‌کنند.»

در اینجا حق با مریل (Merrill) است اما تنها از این نظر حق با اوست که او در

پیشرفت تاریخی خیرهای امروزی، ظهور حرفه روزنامه‌نگاری بود که دربردارنده استقلال نسبی و وعده برخی اصول اخلاقی و معیارهای مشخص خدمت‌رسانی است. لیختر (Lichter) و دیگران (1986:27) نیز قبول دارند که تغییراتی صورت گرفته است: «روزنامه‌نگاران برجسته با حفظ موقعیت تازه بدست آمده خود، به‌طور روزافزون خود را همچون افراد حرفه‌ای می‌بینند که کارشان فقط چسباندن عین تلکس خبری و انتقال آن نیست بلکه آن را تغییر می‌دهند. سرانجام، با توجه به اینکه چگونه برنامه‌ریزان رادیو «بی‌بی‌سی» از کلمه «حرفه‌ای» برای رساندن مفهوم

ما برای پرستش عمومی رسانه‌های جمعی معابدی نخواهیم ساخت، بلکه در عوض یک گوشه اتاق - یا حتی کل اتاق - را به یک دستگاه تلویزیون اختصاص می‌دهیم و هر روز در مقابل آن جمع می‌شویم تا اینکه تصویر جهانی خود را روزآمد کنیم. مقدار زمانی را که صرف شنیدن اخبار تلویزیون می‌شود می‌توان «زمان مقدس» فرض کرد و با بقیه زمان‌هایی که در زندگی ما بیهوده صرف می‌شود می‌توان با احترام کمتری برخورد کرد.

وقتی که خبرنگاران، حرمت خیر را به ویژه به هنگام بازآفرینی خبر نگه نمی‌دارند، مردم به این امر اعتراض می‌کنند. این امر با واکنش‌های مردم نسبت به کشیشان گناهکار و پزشکان غیرحاذق قابل مقایسه است.

روزنامه‌نگاران همچون کشیش‌ها و پزشکان باید تاحد زیادی خود را با ساعت‌های کاری نامنظم وفق دهند و کار آنها هیچ‌وقت پایانی ندارد. (Broddason Etal, 1987)

سرنوشت روزنامه‌نگارانی که جان خود را بر سر تلاش برای افشاکردن فساد یا خیانت گذاشته‌اند، آشکار می‌کند که کار روزنامه‌نگاری کار به شدت خطرناکی است. به این ترتیب بدون تردید اکثر روزنامه‌نگاران، ایثارگران خدمت می‌کنند و حتی از خودگذشتگی عمیقی را به نمایش می‌گذارند. اما به‌رحال روشن است که در شرایط استبدادی، روزنامه‌نگارانی که از فرامین حاکمان تبعیت می‌کنند، کم نیستند. واضح است که این دسته از روزنامه‌نگاران معیارهای حرفه‌ای‌گرایی را همچون پزشکان، قضات یا کشیش‌هایی که دانش و قدرت را در خدمت حاکمان ظالم قرار می‌دهند، برآورده نمی‌کنند.

اگر نجات ما، نگرانی عمده کشیشان و سلامت و طول عمر، دلمشغولی پزشکان

بدون تردید اکثر روزنامه‌نگاران، ایثارگران خدمت می‌کنند و حتی از خودگذشتگی عمیقی را به نمایش می‌گذارند. اما به‌رحال روشن است که در شرایط استبدادی، روزنامه‌نگارانی که از فرامین حاکمان تبعیت می‌کنند کم نیستند.

روزنامه‌نگاران به عنوان میانجی‌گران اطلاعات حیاتی برای فرآیند دموکراتیک، ایفای نقش می‌کنند و همین نقش است که آنها را قابل احترام کرده است.



برای مردم بسیار مؤثر است. اگرچه روزنامه‌نگاران از برخی اصول حرفه‌ای عقب مانده‌اند، با این حال در برخی اصول مهم دیگر به ویژه آن اصلی که به برآورده کردن نیازهای حیاتی اشاره دارد، عملکردی رضایت‌بخش دارند.

برهمن اساس مردم، همچنان‌که برای وزیران و پزشکان احترام قائلند به وسایل ارتباط جمعی نیز احترام می‌گذارند و به آنها اعتماد دارند. این احترام با توجه به مفهوم تقدس همانطور که توسط «دورکیم» تعریف شده، قابل درک است. چنین درکی برنقش وحدت‌گرایانه رسانه‌های جمعی تأکید می‌کند.

پاره‌ای اصول اخلاقی استفاده می‌کنند که همراه خود مشروعیت و اقتدار می‌آورد و از وفاداری به سازمان یا منطبق بودن با تقاضای بیرونی قابل تشخیص است، تام بامز - (Tom Bums 1977:126) به این نتیجه می‌رسد که «حرفه‌ای‌گرایی مفهوم خدمت به مردم را که در زمان رایش تعریف شد و در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ توسعه یافت، تغییر داده است. حرفه‌ای‌گرایی و ایده دوباره تعریف شده خدمت به مردم، متقابلاً مکمل یکدیگر هستند.»

طبق گفته «روزنگرن» (Rosengren) و دیگران (1991:70) کیفیت حرفه‌ای بر برنامه‌ریزی پخش برنامه‌های سودمند

است و غلبه بر این نگرانی‌ها، موقعیت آنها را بالا برده است، پس این سؤال مطرح می‌شود که چه عاملی باعث شده روزنامه‌نگاران مورد اعتماد و احترام باشند؟ پیشتر اشاره شد که روزنامه‌نگاران به عنوان میانجی‌گران اطلاعات حیاتی برای فرآیند دموکراتیک ایفای نقش می‌کنند و همین نقش است که آنها را قابل احترام کرده است. همچنین روزنامه‌نگاران عاملان کلیدی خنثی کردن فاجعه قریب‌الوقوع زیست‌محیطی هستند.

گفته می‌شود که نمی‌توان ایشاگرایی را انگیزه کار روزنامه‌نگاران در نظر گرفت زیرا آنها گرایش‌های متضادی نظیر نیرنگ و کینه‌توزی را به دفعات به نمایش می‌گذارند. در پاسخ به این عده باید گفت که اینها کارهای خلافی است که بارها از آنها انتقاد شده است و در عین حال بحث اصول اخلاقی نیز مطرح است که روزنامه‌نگاران هنگام تهیه خیر باید آنها را رعایت کنند.

عده دیگری هم استدلال می‌کنند که مطبوعات از نظر افکار عمومی قابل احترام نیستند. تعدادی از تحقیقات انجام شده این استدلال را تأیید (Harris, 1984) (Lambeth & 1986) و تعدادی دیگر رد می‌کنند.

برای نمونه کپلینگر (Keepinger) و «کوچر» (Kocher) گزارش کرده‌اند که: «افکار عمومی آلمان امروز به روزنامه‌نگاران بیش از کارشناسان اعتماد دارد. مثلاً وقتی که آنها موضوع انرژی هسته‌ای را تجزیه و تحلیل می‌کنند (1990: 305) در آمریکا نیز مردم رسانه‌ها را بیش از نهادهای سیاسی، تأثیرگذار و عامل وحدت می‌دانند. «کپلینگر» و «کوچر» با جمع‌بندی یافته‌های تعدادی از محققان که به ارزیابی ارزش‌های در حال تغییر در جوامع صنعتی غرب پرداخته‌اند به این نتیجه رسیدند که: «به لحاظ اهمیت کلی

رسانه‌های جمعی، روزنامه‌نگاران انتقال‌دهندگان ارزش‌های در حال تغییر هستند. (286: 1990)».

شاید عملکرد مقدس و وحدت‌گرایانه رسانه‌های جمعی به خوبی از طریق وضعیت کارکنان شبکه‌های تلویزیونی آمریکا که موقعیتی بالاتر از سیاستمداران کسب کرده‌اند، به نمایش درآمده است (Robinson and Kohut, 1988) استفاده از کامپیوتر شدیداً شرایط کاری پزشکان را تغییر می‌دهد و این موضوع در مورد روزنامه‌نگاران نیز صادق است. «ژاسپین» (Jaspin, 1989) توضیح می‌دهد که چگونه استفاده بهینه از اطلاعات کامپیوتری می‌تواند به شدت، قدرت نقش نظارتی روزنامه‌نگاری تحقیقی را افزایش دهد.

خبرنگاران آموزش دیده کسب کرد، از یادها بروند. (Dennis, 1989: 119).

### نتیجه‌گیری

تأکید اصلی این مقاله بیشتر روی آن دسته از مشاغلی بوده است که در اذهان این‌گونه جا افتاده که در خدمت نیازهای حیاتی بشر هستند و همچنین مشاغلی که از دانش پیچیده‌ای برخوردار هستند و در ردیف «حرفه» قرار می‌گیرند.

واضح است که عملکرد جا افتاده سرویس‌دهی حیاتی و جنبه تقدس حداقل در برخی جنبه‌های حرفه روزنامه‌نگاری وجود دارد. این حرف که روزنامه‌نگاران از دانش پیچیده‌ای برخوردارند، قابل تأمل است ولی این

■ افکار عمومی آلمان امروز به روزنامه‌نگاران بیش از کارشناسان اعتماد دارد.

■ در آمریکا نیز مردم رسانه‌ها را بیش از نهادهای سیاسی، تأثیرگذار و عامل وحدت می‌دانند.

■ به لحاظ اهمیت کلی رسانه‌های جمعی، روزنامه‌نگاران انتقال‌دهندگان ارزش‌های در حال تغییر هستند.

به نظر من، در کوتاه و میان مدت، کامپیوتری کردن روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای‌گرایی این شغل را سرعت خواهد بخشید. این امر بستگی به آن دارد که روزنامه‌نگاران چگونه با چالش‌های تکنولوژی نوین کنار بیایند. در درازمدت، به‌رحال سیستم‌های کارشناسی گردآوری خیر در دسترس همگان قرار خواهد گرفت و در این میان وظیفه‌گزینش‌گری روزنامه‌نگاران کم‌رنگ خواهد شد و احتمالاً آنها حرفه‌ای‌زدایی را تجربه خواهند کرد و یا بدتر از آن: اگر روزنامه‌نگاران دلایل قانع‌کننده ارائه ندهند، ممکن است در عصر «هر شخص یک سردبیر» که در شرف وقوع است و در آن می‌توان اطلاعات را بدون استفاده از

موضوع بستگی به آن دارد که ما چگونه «دانش» را تعریف کنیم.

جنبه تقدس روزنامه‌نگاری حرفه‌ای که در این مقاله طرح شده، با دمکراسی ارتباط دارد و همزمان به این موضوع نیز اشاره شد که اصالت از خودگذشتگی، تحت شرایط دیکتاتوری نمود پیدا می‌کند. به این ترتیب ارزش دمکراتیک روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، در شرایط غیردمکراتیک به خوبی قابل مشاهده است. □

Sacred Side of Professional Journalism

European Journal of Communication

Vol. 9, 199 4, pp. 227- 248

By: thorbjorn Broddason